

واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تأکید بر متغیرهای روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت (مورد مطالعه: دانشجویان افغان شهرستان کاشان) [◆]

زهرا صادقی آرانی¹
محمود پورباقرانی²
محسن نیازی³

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف واکاوی رفتار قانون‌گريزانه دانشجویان افغان در شهرستان کاشان و بررسی تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت بر قانون‌گريزی این دانشجویان انجام شده است. **روش:** این تحقیق از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر رویکرد کمی؛ راهبرد آن، پیمایشی و روش تحقیق آن، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری تحقیق، دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان است. **یافته‌ها:** نتایج این بررسی حاکی از تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل، دلیل اقامت، دوره تحصیلی و مدت اقامت بر قانون‌گريزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان است. همچنین بین هوش معنوی و قانون‌گريزی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان‌دهنده آن است که افراد با سبک هویت اطلاعاتی و سردرگم، تمایل بیشتری به قانون‌گريزی و دانشجویان با سبک هویت هنجاری و تعهد، تمایل کمتری به قانون‌گريزی دارند. **نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج به دست آمده و به منظور افزایش قانون‌گرایی دانشجویان مهاجر، تلاش برای تقویت هوش معنوی و تسريع در جامعه‌پذیری آنان، به خصوص در سالهای اول مهاجرت پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: قانون‌گريزی، هوش معنوی، سبک هویت، مهاجران افغان در ايران، دانشگاه اسلامی.

◆ دریافت مقاله: 97/12/01؛ تصویب نهایی: 98/06/01.

1. دکتری مدیریت، استادیار گروه مدیریت و کارآفرینی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول). نشانی: کاشان، 6 کیلومتر 6 بلوار قطب راوندی، ساختمان سعیدی، گروه مدیریت و کارآفرینی / نمابر: 031-55913762 / Email: SadeqiArani@kashanu.ac.ir.
2. دکتری فقه و حقوق خصوصی از دانشگاه خوارزمی، مدرس دانشگاه. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران.
3. دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه اصفهان. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان.

الف) مقدمه

امروزه، یکی از عوامل پیشرفت جوامع توسعه یافته، وجود قوانین مدون، شفاف و صریح است. قانون از پیچیده ترین مقوله هایی است که بشر با آن مواجه بوده است. در واقع؛ انسانها به تبع رعایت قانون، نظم پیدا کرده و با دیگر هموعان خویش ارتباط و تعامل برقرار می کنند. قانون به عنوان نمونه ای از قراردادهای اجتماعی، حوزه های مختلفی را در زندگی از قبیل اقتصاد، سیاست، حقوق و... در بر می گیرد. اینکه انسانهای بی شماری در مسیری تعریف شده گام برداشته، امور روزمره خود را انجام می دهند، خود متأثر از وجود قانون در جامعه است (میرزایی و همکاران، 1396). قانون گرایی به معنای ضابطه مند و قاعده مند بودن رفتارهای انسانی در قالب هنجارهای تدوین شده است که مورد پذیرش اکثر افراد جامعه و باعث تداوم و قوام جامعه است. قانون گرایی پیامدها، آثار و تبعات بسیار زیادی برای جامعه دارد و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی، متضمن رعایت قوانین و مقررات است. برای مثال؛ تحقق آزادی، اقتدار حاکمیت، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و بسیاری دیگر از اهداف اجتماعی را می توان نمونه هایی از این مدعا دانست. (میرفردی و فرجی، 1395)

رفتار مقابل قانون گرایی، قانون گریزی است. قانون گریزی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه نشأت می گیرد و قانون گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می گیرد. قانون گریزی طیفی از رفتار است که از قانون گریزی دائم، خشن و شدید تا قانون گریزی گه گاه، غیر خشن و ضعیف را در بر می گیرد (علی بابایی و فیروزجانیان، 1388). برای تعیین عوامل تأثیر گذار بر قانون گریزی، عوامل متعددی را می توان برشمرد و آنها را در دسته های مختلف طبقه بندی کرد. آنچه موجب شکل گیری پدیده قانون گریزی می شود، ممکن است عوامل فردی یا مجموعه ای از عوامل غیر فردی یا اجتماعی باشد. علاوه بر ویژگی های جمعیت شناختی مانند سن، جنسیت و...، یکی از عوامل روان شناختی مؤثر بر تمایل به رعایت قانون در انسانها، هوش معنوی آنهاست. هوش معنوی یکی از مفاهیم جدید در انواع هوش به شمار می رود که از سطح روابط فیزیکی و شناختی فرد با محیط پیرامون خود فراتر رفته، حیطه شهودی و متعالی زندگی انسان را سامان می دهد (فروز و همکاران، 1388). عامل دیگر از عوامل فردی - روان شناختی مؤثر بر قانون گریزی، سبک هویت است. منظور از سبک هویت، ترکیب مهارتها، جهان بینی و همانندسازی های دوران کودکی است که به صورت یک کل منسجم و منحصر به فرد درمی آید و برای افراد، احساس تداوم گذشته و جهت گیری برای آینده را فراهم می کند. (طباطبایی و همکاران، 1391)

383 واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تأکيد بر...

اگرچه تمامی شهروندان یک سرزمین ملزم به رعایت قانون‌اند؛ اما التزام به قانون برای مهاجران، حساس‌تر و مهم‌تر ارزیابی می‌شود (لیندال،¹ 2008؛ منجیوا و کانستروم،² 2014؛ انریکو³ و همکاران، 2018). در این راستا و با توجه به اهمیت و تأثیر مهاجرت و قانون‌پذیری مهاجران در کشور مهاجرپذیر یا مقصد و عطف به حجم انبوهی از مهاجران افغان در ایران، پژوهش حاضر با هدف واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ایران با تأکید بر متغیرهای جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت انجام شده است و جامعه آماری تحقیق را دانشجویان افغان شهرستان کاشان تشکیل می‌دهد. سؤالات پژوهشی این تحقیق در قالب دو سؤال اصلی ذیل مطرح می‌شود:

- هوش معنوی، سبک هویت و تمایل به قانون‌گریزی در بین دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان چگونه است؟
- رابطه بین هوش معنوی، سبک هویت و تمایل به قانون‌گریزی در بین دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان چگونه است؟

ب) مبانی نظری تحقیق

1. قانون‌گریزی

نظم در هر جامعه‌ای مبتنی بر مجموعه‌ای از هنجارها و قواعد اجتماعی است. برخی از این هنجارها عرفی و غیر رسمی و برخی دیگر رسمی است و ضمانت اجرایی دارد. در جامعه‌شناسی، مفاهیم مختلفی همچون انحراف، جرم، بزهکاری و کجروی برای کسانی که قواعد اجتماعی را نادیده می‌گیرند، به کار گرفته می‌شود؛ اما این مفاهیم با یکدیگر تفاوت دارند. به همه افرادی که از هر گونه هنجاری در جامعه تخطی کنند، کجرو یا منحرف می‌گویند؛ اما برخی افراد از قوانین رسمی جامعه تخطی می‌کنند و آن را نادیده می‌گیرند که به آنان قانون‌گریز می‌گویند (فیروزجاییان و ماشمی، 1395). قانون‌گریزی، رفتاری است که از مخالفت با قوانین رسمی جامعه، حاصل می‌شود و قانون‌گریز، کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد، قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که همیشه قوانین را نادیده می‌گیرند، قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مانند سرقت و قتل و...) تا قانون‌گریزی گه‌گاهی، غیر خشن و ضعیف (مانند عبور از چراغ قرمز، ندادن مالیات و...) را در بر می‌گیرد. به

1. Lindahl

2. Menjiva & Kanstroom

3. Enriquez

قانون‌گزیزی نوع اول، قانون‌گزیزی سخت و به نوع دوم، قانون‌گزیزی نرم گفته می‌شود (علی‌بابایی و فیروزجانیان، 1388). بدیهی است که همه افراد جامعه به دلیل ویژگی‌های قانون‌گزیزی نوع دوم یا نرم، به نوعی مرتکب آن می‌شوند؛ به طوری که در جامعه به شکل عادت و امری معمول و حتی پذیرفته‌شده از دیدگاه عموم مردم درآمده است. (میرفردی و احمدی قارنایی، 1395)

جامعه‌شناسان دلایل مختلفی را از ابتدا تاکنون درباره انحراف افراد در جامعه مطرح کرده‌اند. عمده این نظریه‌ها را می‌توان در دو پارادایم اثبات‌گرا و برساخت‌گرا دسته‌بندی کرد (صدیق‌سروستانی، 1388). در حالی که پارادایم اثبات‌گرا بیشتر به محیط و جامعه به عنوان دلیل انحراف توجه دارد، پارادایم برساخت‌گرا فرد را در قانون تحلیل انحراف قرار می‌دهد. در این پارادایم، نظریه‌هایی قرار دارند که با تأکید بر مفهوم اختیار، به تبیین رفتار فرد کجرو می‌پردازند. اما برخی از نظریه‌های جدید هم تلاش کرده‌اند تا انحراف را با در نظر گرفتن تأثیر متقابل ویژگی‌های فردی و ویژگی‌های جامعه تحلیل کنند که به نظریه‌های تلفیقی شهرت دارند.

در تقسیم‌بندی از نوع رفتار قانون‌گزیزی، سه دسته رفتار تبیین شده است که عبارتند از: قانون‌گزیزی ابزاری، اعتراضی (ناهمنوایی) و اخلاقی (کلن، 1377):

قانون‌گزیزی ابزاری: در قانون‌گزیزی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش به محاسبه سود و زیان ناشی از عدم اطاعت می‌پردازد و به این نکته آگاه می‌شود که کنش غیر قانونی در مجموع سود بیشتری برای او دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است. عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط شکل‌گیری این نوع کنش را فراهم می‌سازد که از جمله آنها ناکارآمدی نهادهای تشخیصی برای قانون‌گزیزی، ناکارآمدی نهادهای قضایی و تنبیهی و ضعف هنجارهای سنتی است، بدون اینکه توسط هنجارهای جدیدی جایگزین شوند؛ که به آن نابسامانی آنومی گفته می‌شود.

قانون‌گزیزی اعتراضی (ناهمنوایی): بسیاری از تعهدهای هنجاری نسبت به قانون ممکن است مبتنی بر اخلاق شخصی باشد. در این حالت، مبنای برداشت شخصی از قانون، ارزیابی وی از قانون به عنوان امری درست و منصفانه است. تعهد هنجاری حاکی از مشروعیتی است که فرد برای قانون و نهادها و مجریان قانون قائل است.

قانون‌گزیزی اخلاقی: قانون‌گرایی اخلاقی وضعیتی است که در آن، شخص به قوانین گردن می‌نهد؛ چون با ارزشهای اخلاقی و درونی وی همخوانی دارد. فرد در این حالت صرفاً بر اساس آنچه خود درست می‌پندارد، عمل می‌کند که ممکن است این پندار با پندار سایر افراد جامعه یکسان نباشد. در چنین وضعیتی، از نظر عامل، کنش حاصل از چنین جهت‌گیری‌ای، قانون‌گريزانه نیست، بلکه این کنش، فقط از نظر ناظر عمل قانون‌گزیزی محسوب می‌شود.

2. هوش معنوی

در چند دهه گذشته، معنویت به صورت روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است و چنین به نظر می‌رسد که مردم جهان، بیش از پیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش پیدا کرده‌اند (افروز و همکاران، 1388). یکی از مفاهیم مرتبط با معنویت، هوش معنوی است. هوش معنوی در ادبیات روان‌شناسی برای اولین بار سال 1996 توسط استیونز و بعد در سال 1999 توسط ایمونز¹ مطرح شد. از نظر ایمونز (2000)، هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره است. هوش معنوی، هوشی است که انسان را قادر می‌سازد به حل مسائل معنایی و ارزشی خود بپردازد. همچنین، هوشی است که می‌تواند اعمال و زندگی فرد را در سطح وسیع‌تر، غنی‌تر و بامعناتری قرار دهد. هوش معنوی را کاربرد سازگارانۀ اطلاعات معنوی در تسهیل حل مسائل روزانه و هدف‌یابی و دستیابی به آنها می‌دانند (ژهر و مارشال، 2001). هوش معنوی در بر دارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (غاری بناب و همکاران، 1386). هوش معنوی به واسطه یکپارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی، تعامل بین فرایندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را نیز دارد که نتیجه تعامل آنها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه، موجب رشد و دگرگونی شخصی شود (زارع و همکاران، 1391). به طور کلی، هوش معنوی عبارت است از: خودآگاهی عمیقی که انسان را قادر می‌سازد هر چه بیشتر از جنبه‌های درونی خود آگاه شود. همچنین، هوش معنوی توانایی به کارگیری و بروز ارزشهای معنوی است؛ به گونه‌ای که موجب ارتقای کارکرد روزانه و سلامت جسمی و روحی فرد می‌شود. (موسوی و همکاران، 1390)

3. سبک هویت

هویت، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و مشخصات فردی و اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آنهاست که فرد آن را از طریق کنش متقابل با خود یا بازیابی تصوراتی از خود به دست می‌آورد و در جواب پرسش «من کیستم؟» ارائه می‌دهد (وودوارد، 2000). در واقع؛ هویت مفهومی است ناظر بر حالات و اعمال شخصی که ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد و تشخیص و فردیت شخص یا جامعه را تشکیل می‌دهد (برزونسکی، 2004). هویت، عناصر درونی، ذهنی و بیرونی را شامل می‌شود و موقعیتی برای بازشناسی اجتماعی توسط دیگران است. مفهوم هویت به صورت گوناگونی

1. Emmonz

2. Zohar & Marshall

3. Woodward

4. Berzonsky

دسته‌بندی شده است. ابتدایی‌ترین دسته‌بندی در خصوص هویت، هویت فردی و هویت جمعی است. هویت فردی که به مجموع هویت‌های شخصی، شخصیتی و اجتماعی فرد اطلاق می‌شود (جوکار و همکاران، 1393). یکی از مسائل روان‌شناختی در زمینه هویت، بررسی سبک‌های هویتی است. سبک‌های هویت، ترجیح نسبی افراد برای به کارگیری شیوه‌های خاص حل مسائل هویتی و پردازش اطلاعات مربوط به خود است (همان). از نظر برزونسکی (2004) افراد دارای وضعیت‌های هویتی مختلف در فرایندهای اجتماعی - شناختی که برای حل مسائل شخصی، تصمیم‌گیری‌ها و فرایند شکل‌گیری هویت استفاده می‌کنند، با یکدیگر تفاوت دارند. وی برای پردازش اطلاعات مربوط به هویت، چهار سبک هویتی شامل سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم یا اجتنابی و تعهد را ارائه کرده است. (همو، 1999)

سبک هویت اطلاعاتی:¹ افراد واجد سبک اطلاعاتی به طور فعال و آگاهانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آنها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را استفاده می‌کنند (فشاری و رضایی، 1397). این افراد نیاز بالایی به شناخت و پیچیدگی شناختی احساس می‌کنند، کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران‌اند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و در برخورد با موقعیت‌های مبهم و افراد جدید، پذیرش بالایی دارند.

سبک هنجاری:² در سبک هنجاری، فرد در مواجهه با مسائل به شیوه‌ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروه‌های مرجع و دیگران عمل می‌کند و به صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش‌ها و باورها را درونی می‌کند. این سبک با ویژگی‌هایی مانند وظیفه‌شناسی مفرط، کمک‌خواهی، ناشکیبایی و میل شدید به ساختارمندی قضایا، خودپنداره پایدار و عدم تمایل به بررسی اطلاعات ناهمگام با ارزش‌ها و باورها رابطه دارد.

سبک سردرگم یا اجتنابی:³ افراد دارای سبک سردرگم یا اجتنابی از رویارویی با مسائل مربوط به هویت دوری می‌کنند؛ تا حد ممکن سعی دارند موقعیت‌های تعارض‌برانگیز و مستلزم تصمیم‌گیری را به تأخیر بیندازند؛ در مواقعی که امکان چنین تأخیر وجود نداشته باشد، در تصمیم‌گیری بیشتر به مقتضیات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند؛ در مواقع تصمیم‌گیری، حس ترس و اضطراب نیز دارند و در این موقعیت‌ها اغلب از راهبردهای نامناسب مانند اجتناب، بهانه آوردن و دلیل تراشی استفاده می‌کنند؛ رفتار آنان موقعیتی بوده، الگویی مشخص ندارد. این سبک هویت با هیجان‌مداری، راهبردهای نامطلوب تصمیم‌گیری، خودآگاهی محدود، دیگر پیروی و به کارگیری راهبردهای اسنادی و شناختی ناکارآمد رابطه دارد. (جوکار و لطیفیان، 1385)

1. Information-Oriented

2. Normative Identity

3. Diffuse-Avoidant

387 ♦ واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تأکید بر...

سبک هویت تعهد:¹ سبکی که در آن تعهد به اهداف و برنامه‌ریزی‌های زندگی در سطح بالایی قرار دارد. تعهد، چارچوبی ارجاعی از ارزشها و باورهاست که ممکن است خودساخته یا تجویز شده از جانب دیگران باشد (عدی زرين و همکاران، 1388). تعهد عبارت است از: تثبیت و اتخاذ تصمیم‌هایی نسبتاً بادوام و سرمایه‌گذاری شخصی برای این تصمیم‌ها.

ج) پیشینه پژوهش

اگرچه پژوهشی که به واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تأکید بر متغیرهای روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت پرداخته باشد، در دسترس نیست؛ اما مطالعات انجام‌شده متعددی در زمینه قانون‌گريزی وجود دارد که به بررسی عوامل مؤثر بر این پدیده پرداخته‌اند.

واحدی و همکاران (1388) در بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گريزی شهروندان 20 تا 75 ساله استان آذربایجان غربی، به این نتیجه دست یافتند که قانون‌گريزی با عمومیت قانون، ترس از مجازات، مذهب فرد و اطاعت از قوانین از روی شناخت و آگاهی، رابطه معناداری دارد.

اسدزاده و همکاران (1393) مهم‌ترین انگیزه قانون‌گريزی را ضعف اعتقادی و پس از آن، ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان دانسته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بیشترین کسانی که در سطح کلان قانون را دور می‌زنند، اغلب مسئولانند که این امر، خود باعث قانون‌گريزی در بین آحاد جامعه می‌شود.

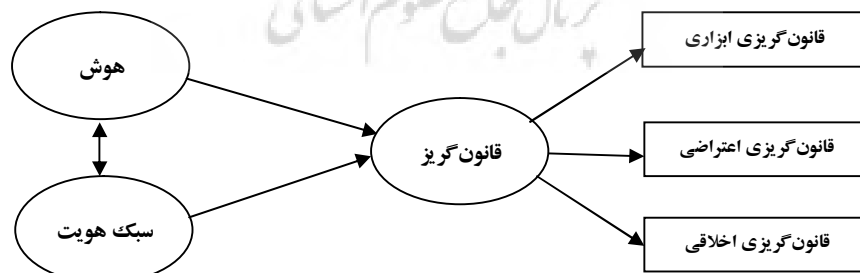
کاظمی (1394) در پایان‌نامه خود به تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گريزی و عوامل تأثیرگذار بر آن در بین شهروندان شهر خلخال پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه آزاد و پیام نور، تاکسی‌رانان و زندانیان شهر خلخال بوده و با روش تحلیل واریانس و پیرسون برای آزمون فرضیات و تکنیک رگرسیون و تحلیل مسیر برای سنجش مدل تحقیق استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان سن، میزان اعتماد اجتماعی، میزان عدم اطلاع از قانون، میزان احساس شهروندی و میزان قانون‌گريزی رابطه وجود دارد؛ اما بین سابقه جرم و میزان قانون‌گريزی رابطه وجود ندارد. همچنین بین جنسیت و میزان قانون‌گريزی (که مردها بیشتر از زنان)، وضعیت تأهل در قانون‌گريزی (که مطلقه‌ها بیشتر از متأهل‌ها و مجردها)، پایه‌های تحصیلی و میزان قانون‌گريزی (که زیر دیپلم‌ها بیشتر از بقیه)، محل‌های زندگی و میزان قانون‌گريزی (که شهرنشینها بیشتر از بقیه) و طبقه اجتماعی و اقتصادی و میزان قانون‌گريزی (که طبقه اجتماعی و اقتصادی پایین نسبت به سایر طبقه‌ها بیشتر از بقیه) اختلاف و تفاوت معناداری وجود دارد.

عزیزی و پرتوی (1394) در تحقیقی دیگر به بررسی قانون‌گزینی شهروندان 15 تا 64 سال شهر مریوان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، پابندی اعضای خانواده به قانون و پابندی اعضای گروه دوستان به قانون، با قانون‌گزینی پاسخگویان همبستگی معکوس و معنادار و مدت زمان سکونت افراد در شهر با میزان قانون‌گزینی آنان همبستگی مستقیم و معناداری دارد. میزان قانون‌گزینی مردان از زنان و افراد مشاغل آزاد از مشاغل دولتی بیشتر است. تحلیل رگرسیون چندمتغیره هم نشان داد که متغیرهای تحصیلات پاسخگویان، میزان قانون‌گزینی در خانواده فرد و میزان قانون‌گزینی دوستان، بر قانون‌گزینی پاسخگویان تأثیر معناداری داشته‌اند. مجموع این متغیرها، 21 درصد از تغییرات قانون‌گزینی افراد را تبیین کرده‌اند.

میرفردی و احمدی قارنایی (1395) طی پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیر میزان قانون‌گزینی و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین سن پاسخگویان و میزان اعتماد اجتماعی آنان در روابط بین شخصی، رابطه معناداری وجود دارد و با افزایش میزان سن، میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان در روابط بین شخصی به نسبت کمی افزایش می‌یابد. بنابر این، با افزایش یا کاهش در میزان قانون‌گزینی افراد، هیچ تغییری در میزان اعتماد اجتماعی خود آنان در روابط بین شخصی ایجاد نمی‌شود.

میرزایی و همکاران (1396) نیز در پژوهشی با هدف بررسی رابطه بین قانون‌گزینی و پیوندهای اجتماعی در شهر اهواز به این نتیجه دست یافته‌اند که بیشترین و کمترین حوزه قانون‌گزینی به ترتیب: قانون‌گزینی راهنمایی-راندگی و فرهنگی-آموزشی است. همچنین ضرایب همبستگی حاکی از رابطه معنادار میان متغیر پیوند اجتماعی با ابعاد قانون‌گزینی و شاخص ترکیبی کل قانون‌گزینی است. بر اساس یافته‌های تحلیل مسیر، بُعد اعتقاد به اعتبار اخلاقی-هنجاری، بالاترین سهم را در تبیین قانون‌گزینی به خود اختصاص داد. نتیجه کلی اینکه، هرچقدر فرد حائز پیوندها و شبکه اتصال اجتماعی قوی با جامعه باشد، به همان نسبت قانون‌مندتر خواهد بود.

در نهایت با توجه به هدف تحقیق، مدل مفهومی اولیه تحقیق به صورت شکل 1 خواهد بود.



شکل 1: مدل مفهومی تحقیق

د) روش تحقيق

اين تحقيق از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، فرضیه‌ای - قیاسی است. راهبرد تحقيق، پیمایشی و روش آن، توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری در اين تحقيق، دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان، شامل 370 دانشجوی افغانی است. با توجه به تعداد جامعه پژوهش و بر اساس جدول مورگان، 196 نفر به عنوان نمونه، انتخاب و 300 پرسشنامه بين آنان توزيع شد. تعداد پرسشنامه‌های عودت داده شده که به طور کامل پر شده و قابل استناد و استفاده بودند، 260 عدد بود. در ضمن، روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی انجام شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها در اين پژوهش، پرسشنامه‌ای در چهار بخش است. در بخش اول، متغیرهای جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش و در بخش دوم، متغیر قانون‌گریزی با استفاده از پرسشنامه استاندارد کلمن (1377) در سه بُعد قانون‌گریزی ابزاری (سه گویه)، قانون‌گریزی اعتراضی (سه گویه) و قانون‌گریزی اخلاقی (چهار گویه) بررسی می‌شود. بخش سوم با استفاده از پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران (1389)، به بررسی هوش معنوی دانشجویان مهاجر شهرستان کاشان می‌پردازد. در اين پرسشنامه عامل «زمینه تفکر کلی و بعد اعتقادی» شامل 12 گویه، «خودآگاهی و عشق و علاقه» شامل هشت گویه، «پرداختن به سجایای اخلاقی» شامل هفت گویه و «توانایی مقابله و تعامل با مشکلات» شامل 15 گویه است. بخش چهارم نیز با استفاده از پرسشنامه سبک هویت¹ برزونسکی (2009) به بررسی سبک هویت جامعه پژوهش در ابعاد سبک هویت اطلاعاتی با 11 گویه، سبک هویت هنجاری با 9 گویه، سبک هویت سردرگمی یا اجتنابی با 10 گویه و سبک هویت متعهد با 10 گویه و در مجموع 40 گویه پرداخته شده است. اين پرسشنامه به کرات در پژوهش‌های مختلف استفاده و روایی آن تأیید شده است. (کروستی² و همکاران، 2009)

دانشجویان به تمام گویه‌ها در طیف پنج‌گانه لیکرت از «بسیار موافقم» (امتیاز 5) تا «بسیار مخالفم» (امتیاز 1) پاسخ داده‌اند. برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که برای هر بُعد به طور جداگانه و در مجموع ابعاد متغیرهای بررسی، بیش از 0/8 بوده است و پایایی داده‌ها را نشان می‌دهد. برای تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش، از آمار توصیفی و آزمونهای تک‌نمونه‌ای تی، آزمون دو نمونه مستقل تی، آزمون تحلیل تک‌عاملی آنوا و آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

1. Identity Style Questionnaire- 6Grades (ISI-6G)
2. Crocetti

هـ) یافته‌ها

در بخش اول از تحلیل داده‌ها و در جدول 1، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش بر اساس فراوانی، درصد، میانگین قانون‌گزینی و انحراف معیار قانون‌گزینی نمونه پژوهش آورده شده است.

جدول 1: فراوانی، درصد، میانگین قانون‌گزینی و انحراف معیار قانون‌گزینی نمونه پژوهش (دانشجویان افغان شهرستان کاشان) بر اساس متغیرهای جمعیت‌شناختی

	فراوانی	درصد	میانگین قانون‌گزینی	انحراف معیار قانون‌گزینی
جنسیت	زن	63	24	3,398
	مرد	197	76	2,932
سن (سال)	کمتر از 20	75	32	3,179
	20 تا 30	185	68	2,976
وضعیت تأهل	مجرد	252	97	3,018
	متاهل	8	3	3,805
دوره تحصیلات	کارشناسی	215	82	3,244
	کارشناسی ارشد	32	12	2,083
	دکترا	15	6	2,222
مدت اقامت (سال)	کمتر از 5	70	27	2,367
	5-10	63	24	3,389
	10-15	86	33	3,358
	بیش از 15	41	16	3,001
دلیل اقامت	زندگی و تحصیل	190	73	2,367
	تحصیل	70	27	3,291

مطابق جدول 1، 76 درصد از مهاجران، مرد و بقیه زن بوده‌اند. 70 درصد از این مهاجران، دلیل اقامت خود را تحصیل و زندگی در ایران ذکر کرده و حدود 50 درصد آنان بیش از 10 سال است که در ایران اقامت دارند. از آنجا که متغیر محوری و وابسته بررسی شده، قانون‌گزینی بوده است، در بخش اول از تحلیلها و آزمونها، رابطه این متغیر با متغیرهای جمعیت‌شناختی جامعه پژوهش بررسی شده است. فرضیه مد نظر برای آزمون، به طور کلی به صورت فرضیه $X-1$ تعریف شده است.

فرضیه $X-1$: بین متغیرهای جمعیت‌شناختی X و قانون‌گزینی دانشجویان افغان شهرستان کاشان، رابطه معناداری وجود دارد.

391 واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تاكيد بر...

برای بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل و دلیل اقامت با قانون‌گریزی، از آزمون دو نمونه مستقل تی و برای آزمون رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی دوره تحصیلی و مدت اقامت با متغیر قانون‌گریزی، از آزمون تک‌عاملی آنوا استفاده شده است. نتایج این دو آزمون به ترتیب در جدولهای 2 و 3 آمده است. از آنجا که آزمون تساوی واریانس‌ها (آزمون لاون) برای تمامی آزمونهای دو نمونه مستقل دارای مقدار معناداری صفر شده است، فرض تساوی واریانس‌ها برای تمامی آزمونها پذیرفته شده و در این گزارش از ذکر آن خودداری و تنها نتیجه آزمون برابری میانگینهای دو جامعه ارائه می‌شود. (جدول 3)

جدول 2: بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل و دلیل اقامت با قانون‌گریزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان

فرضیه	متغیر	درجه آزادی	آماره آزمون (t)	مقدار معناداری (sig)	نتیجه آزمون
1-1	جنسیت	258	6,28	0/000	تأیید
2-1	گروه سنی	258	2,87	0/004	تأیید
3-1	وضعیت تأهل	258	-4,20	0/000	تأیید
4-1	دلیل اقامت	258	-18,20	0/000	تأیید

نتایج حاصل از آزمون تساوی میانگینهای قانون‌گریزی در چهار متغیر بررسی شده جنسیت، سن، وضعیت تأهل و دلیل اقامت، در سطح اطمینان 95 درصد رد شده است. به عبارت دیگر؛ در سطح اطمینان 95 درصد، بین متغیرهای جمعیت‌شناسی مذکور و متغیر قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون فرضیات (جدول 2) و میانگین متغیرها (جدول 1) می‌توان گفت که زنان بیش از مردان، نوجوانان بیش از جوانان، متأهلان بیش از مجردان و کسانی که تنها به دلیل تحصیل در ایران اقامت دارند بیش از کسانی که به دلیل زندگی و تحصیل در ایران اقامت دارند، مرتکب قانون‌گریزی می‌شوند.

نتایج حاصل از این آزمون تساوی میانگینها قانون‌گریزی در چهار متغیر مورد بررسی دوره تحصیلی و مدت اقامت در سطح اطمینان 95 درصد رد شده است. به عبارت دیگر، در سطح اطمینان 95 درصد بین متغیرهای جمعیت‌شناسی مذکور و متغیر قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج آزمون فرضیات (جدول 3) و میانگین قانون‌گریزی (جدول 1) می‌توان گفت که دانشجویان دوره کارشناسی بیشترین و دوره کارشناسی ارشد کمترین میزان قانون‌گریزی را دارند. رابطه مدت اقامت و قانون‌گریزی هم به صورت زنگوله‌ای بوده است؛ یعنی با افزایش مدت اقامت، ابتدا قانون‌گریزی افزایش، سپس کاهش یافته و کمترین قانون‌گریزی این اتباع با میانگین 2,36 در سالهای ابتدایی اقامت آنها رخ داده است.

جدول 3: بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی دوره تحصیلی و مدت اقامت با قانون‌گریزی

دانشجویان افغان شهرستان کاشان

فرضیه	متغیر	درجه آزادی	آماره آزمون (F)	مقدار معناداری (sig)	نتیجه آزمون
5-1	دوره تحصیلی	259	230,3	0/000	تأیید
6-1	مدت اقامت	259	151,75	0/000	تأیید

در بخش دوم از تحلیل داده‌ها، میزان سطح متغیرهای قانون‌گریزی، هوش معنوی و سطح هویت دانشجویان افغان شهرستان کاشان در ابعاد مورد بررسی و در مجموع ابعاد با استفاده از فرضیات 2 تا 4 بررسی شده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه‌های 2 و X-2 در سطح اطمینان 95 درصد حاکی از رد فرضیه 2-3 (تی=17,18) و تأیید سایر فرضیه‌هاست. به عبارت دیگر؛ قانون‌گریزی دانشجویان شهرستان کاشان در ابعاد قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی و در مجموع ابعاد، در سطح پایینی قرار دارد؛ ولی قانون‌گریزی اخلاقی این دانشجویان به طور معناداری بیش از میانگین، یعنی 3,35 است. در این وضعیت؛ قانون‌گریزی ابزاری دانشجویان شهرستان با میانگین 2,75 کمترین نوع قانون‌گریزی این جامعه است. آزمون فرضیه‌های 3 و X-3 نیز نشان می‌دهد که هوش معنوی این دانشجویان در ابعاد مورد بررسی و در مجموع ابعاد، در سطح بالایی قرار دارد. به عبارت دیگر؛ در سطح اطمینان 95 درصد تمامی فرضیات مذکور با آماره آزمونی بیش از 1/65- و با درجه آزادی 259 تأیید شده‌اند. آزمون فرضیه‌های X-4 نیز نشان‌دهنده آن است که چهار نوع سبک هویت در دانشجویان مورد بررسی به طور معناداری دیده شده است. با این وجود، سبک هویت اطلاعاتی و سردرگم به ترتیب با میانگین 3,63 و 3,17 به ترتیب بیشترین و کمترین سبک هویت مشاهده شده بوده است.

بخش سوم از تحلیلها به بررسی رابطه بین ابعاد هوش معنوی، سبک هویت و قانون‌گریزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان می‌پردازد (جدول 5). فرضیه مد نظر با استفاده از آزمون همبستگی دو دنباله اسپرمن بررسی شده‌اند. (فرضیه 5)

جدول 4: بررسی قانون‌گریزی، میزان هوش معنوی و سبک هویت دانشجویان افغان شهرستان کاشان

فرضیه	متغیر	ابعاد	میانگین	درجه آزادی	آماره آزمون (t)	مقدار معناداری (sig)	نتیجه آزمون
1-2	قانون‌گریزی	قانون‌گریزی ابزاری	2,75	259	-6,267	0/000	تأیید
2-2		قانون‌گریزی اعتراضی	3,03	259	554.	0/580	تأیید
3-2		قانون‌گریزی اخلاقی	3,35	259	17,186	0/000	رد
2		مجموع ابعاد قانون‌گریزی	3,04	259	1,273	0/240	تأیید
1-3	هوش معنوی	تفکر کلی و اعتقادی	3,72	259	25,183	0/000	تأیید
2-3		مقابله با مشکلات	3,10	259	7,339	0/000	تأیید
3-3		خودآگاهی	3,45	259	15,881	0/000	تأیید
4-3		سجایای اخلاقی	3,33	259	12,410	0/000	تأیید

393 واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تأكيد بر... ♦

تأیید	0/000	26,447	259	3,40	مجموع ابعاد هوش معنوی		3
تأیید	0/000	25,001	259	3,63	سبک هویت اطلاعاتی	سبک هویت	1-4
تأیید	0/000	19,130	259	3,41	سبک هویت هنجاری		2-4
تأیید	0/000	4,266	259	3,17	سبک هویت سردرگم		3-4
تأیید	0/000	14,808	259	3,37	سبک هویت تعهد		4-4

فرضیه 5: بین ابعاد متغیرهای هوش معنوی، سبک هویت و قانون‌گريزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه 5 حاکی از آن است که بین هوش معنوی دانشجویان افغان شهرستان کاشان و سبک هویت اطلاعاتی ($r=0.261$; $sig=0.000$) و سبک هویت هنجاری آنان، رابطه مثبت و معنادار ($r=0.950$; $sig=0.000$) وجود دارد. همچنین بین هوش معنوی دانشجویان و سبک هویت سردرگم آنان، رابطه منفی و معنادار وجود داشته است ($r=-0.370$; $sig=0.000$). رابطه بین هوش معنوی این دانشجویان و سبک هویت تعهد نیز مشاهده نشده است. همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین هوش معنوی دانشجویان افغان شهرستان کاشان و قانون‌گريزی ابزاری ($r=-0.284$; $sig=0.000$) و قانون‌گريزی اعتراضی ($r=-0.619$; $sig=0.000$) آنان، رابطه منفی و معنادار وجود دارد؛ ولی بین هوش معنوی آنها و قانون‌گريزی اخلاقی هیچ رابطه‌ای مشاهده نشد. در مجموع نیز بین هوش معنوی دانشجویان و میزان قانون‌گريزی آنان در سطح اطمینان 95 درصد، رابطه منفی و معناداری وجود داشته است ($r=-0.565$; $sig=0.000$). نتایج حاصل از همبستگی بین سبک هویت و قانون‌گريزی نیز نشان داده است که رابطه مثبت و معناداری بین میزان سبک هویتی اطلاعاتی ($r=0.173$; $sig=0.005$) و سبک هویت سردرگمی ($r=0.494$; $sig=0.000$) با قانون‌گريزی دانشجویان وجود داشته است. در مقابل، دانشجویانی با سبک هویت هنجاری ($r=-0.564$; $sig=0.000$) و تعهد ($r=-0.374$; $sig=0.000$) بیشتر، دارای قانون‌گريزی کمتر بوده‌اند. در این میان، سبک هویت سردرگمی با قانون‌گريزی ابزاری با ضریب همبستگی 0,818 دارای بیشترین ارتباط با یکدیگر بوده است. همچنین دانشجویان با سبک هویت تعهد نسبت به تمامی انواع قانون‌گريزی تمایل کمتری نشان داده‌اند. (جدول 5)

جدول 5: همبستگی بین هوش معنوی، سبکهای هویت (اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم و تعهد) و قانون‌گزینی (ایزاری، اعتراضی، اخلاقی) در دانشجویان افغان شهرستان کاشان

قانون‌گزینی	قانون‌گزینی اخلاقی	قانون‌گزینی اعتراضی	قانون‌گزینی ایزاری	سبک هویت تعهد	سبک هویت سردرگم	سبک هویت هنجاری	سبک هویت اطلاعاتی	هوش معنوی	ضریب همبستگی	
565.-	098.-	619.-	284.-	085.-	370.-	950.	261.	1,000	ضریب همبستگی	هوش معنوی
000.	117.	000.	000.	173.	000.	000.	000.	.	Sig.	
173.	252.	036.-	146.	413.	393.-	298.	1,000	261.	ضریب همبستگی	سبک هویت اطلاعاتی
005.	000.	568.	018.	000.	000.	000.	.	000.	Sig.	
564.-	095.-	498.-	359.-	030.-	227.-	1,000	298.	950.	ضریب همبستگی	سبک هویت هنجاری
000.	128.	000.	000.	626.	000.	.	000.	000.	Sig.	
494.	518.	818.	350.	524.-	1,000	227.-	393.-	370.-	ضریب همبستگی	سبک هویت سردرگم
000.	000.	000.	000.	000.	.	000.	000.	000.	Sig.	
374.-	437.-	410.-	589.-	1,000	524.-	030.-	413.	085.-	ضریب همبستگی	سبک هویت تعهد
000.	000.	000.	000.	.	000.	626.	000.	173.	Sig.	
865.	581.	633.	1,000	589.-	350.	359.-	146.	284.-	ضریب همبستگی	قانون‌گزینی ایزاری
000.	000.	000.	.	000.	000.	000.	018.	000.	Sig.	
836.	656.	1,000	633.	410.-	818.	498.-	036.-	619.-	ضریب همبستگی	قانون‌گزینی اعتراضی
000.	000.	.	000.	000.	000.	000.	568.	000.	Sig.	
735.	1,000	656.	581.	437.-	518.	095.-	252.	098.-	ضریب همبستگی	قانون‌گزینی اخلاقی
000.	.	000.	000.	000.	000.	128.	000.	117.	Sig.	
565.-	098.-	619.-	284.-	085.-	370.-	950.	261.	1,000	ضریب همبستگی	هوش معنوی
000.	117.	000.	000.	173.	000.	000.	000.	.	Sig.	
1,000	735.	836.	865.	374.-	494.	564.-	173.	565.-	ضریب همبستگی	قانون‌گزینی
.	000.	000.	000.	000.	000.	000.	005.	000.	Sig.	

هـ) بحث و نتیجه‌گیری

وجود قانون در جامعه به شرط پابندی و رعایت آن، استحکام آن جامعه را در پی خواهد داشت. امروزه هیچ جامعه‌ای هر چند کوچک را نمی‌توان مشاهده کرد که دارای مجموعه هنجارهایی در قالب قانون نباشد. با این وجود، تعهد و الزام به قانون معمولاً در تمامی افراد جامعه یکسان نیست و بسته به شرایط فردی و اجتماعی ممکن است تغییر کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان قانون‌گریزی دانشجویان مهاجر افغان شهرستان کاشان و تأثیر‌گذاری متغیرهای جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی هوش معنوی و سبک هویت بر میزان قانون‌گریزی آنها انجام شده است.

نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، وضعیت تأهل، دلیل اقامت دوره تحصیلی و مدت اقامت در سطح اطمینان 95 درصد، نشان داد که بین متغیرهای جمعیت‌شناسی مذکور و متغیر قانون‌گریزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان رابطه معناداری وجود دارد. بر خلاف نتیجه پژوهش تقدس (1393) که مردها بیش از زنان دچار قانون‌گریزی می‌شدند، میانگین قانون‌گریزی دانشجویان زن افغان شهرستان کاشان در مقایسه با مردها بیشتر بوده است. همچنین متأهلان بیش از مجردان مرتکب قانون‌گریزی می‌شوند که با افزایش سن، میزان قانون‌گریزی آنان نیز کاهش یافته است.

همچنین نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در بین این دانشجویان، رابطه مدت اقامت و قانون‌گریزی هم به صورت زنگوله‌ای بوده است؛ یعنی با افزایش مدت اقامت ابتدا قانون‌گریزی افزایش و سپس کاهش یافته است و کمترین قانون‌گریزی توسط کسانی اتفاق افتاده که در سالهای ابتدایی از اقامت خود در ایران‌اند. این نتیجه ممکن است حاکی از آن باشد که اتباع خارجی و مهاجران، در سالهای ابتدایی از اقامت خود به دلیل ترس از خروج از کشور یا عدم تمديد گذرنامه اقامتی خود حتی از ارتکاب به جرمهای نرم (مانند عبور از چراغ قرمز و...) نیز خودداری می‌کنند؛ اما این رفتار با افزایش زمان اقامت آنان در کشور کاهش یافته و رفتارهای قانون‌گريزانه بیشتری را از خود نشان می‌دهند. همان‌گونه که در جدول 1 آمده است، تمایل به قانون‌گریزی با افزایش زمان اقامت آنان و در بین کسانی که بیش از 10 سال در ایران اقامت داشته‌اند، کاهش یافته است که این موضوع را می‌توان به جامعه‌پذیری آنان و درک مشترک ارزشهای فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن، تسلیم و التزام به قانون نسبت داد.

همچنین کسانی که تنها به دلیل تحصیل در ایران اقامت دارند، بیش از کسانی که به دلیل زندگی و تحصیل در ایران اقامت داشته‌اند، مرتکب قانون‌گریزی شده‌اند. علت این امر را می‌توان علاوه بر جامعه‌پذیر شدن این افراد طی سکونت و زندگی در ایران، تمایل به ادامه زندگی و کار، به خصوص زندگی خانوادگی آنان دانست.

نتایج آزمون بررسی سطح قانون‌گزیزی دانشجویان نشان‌دهنده آن است که اگر چه قانون‌گزیزی اخلاقی آنان در سطح بالایی قرار دارد، اما از نظر قانون‌گزیزی ابزاری و اعتراضی و در میانگین مجموع قانون‌گزیزی این متغیر پایین بوده است. با توجه به نتایج پژوهش اسدزاده و همکاران (1393) که ضعف اعتقادی و ناهمخوانی میان سخن قانون و عمل مسئولان را مهم‌ترین عوامل قانون‌گزیزی اعلام کرده بودند، این دو عامل که معادل قانون‌گزیزی ابزاری و قانون‌گزیزی اعتراضی مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر است، در مهاجران افغان بسیار اندک بوده است. در مقابل، قانون‌گزیزی اخلاقی در بین این دانشجویان زیاد بوده است. به عبارت دیگر؛ قانون‌گزیزی دانشجویان افغان شهرستان کاشان بیشتر بر درک آنان از درست یا نادرست بودن قانون و ارزش یا ضد ارزش بودن آن قانون برمی‌گردد، نه سرپیچی آنان از قانون. شاید یکی از مهم‌ترین علتهای این تفاوت در ادراک را بتوان تفاوت‌های فرهنگی به خصوص در معیارهای ارزشی بیان کرد.

آزمون بررسی هوش معنوی این دانشجویان نیز نشان‌دهنده مطلوب بودن این متغیر برای جامعه آماری مورد بررسی است. همچنین تمامی سبک‌های هویتی در دانشجویان مذکور مشاهده شده است؛ اما سبک هویتی اطلاعاتی با میانگین 3,63 و سبک هویتی سردرگم با میانگین 3,17، به ترتیب بیشترین و کمترین سبک هویت در این دانشجویان بوده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه همبستگی بین متغیرهای هوش معنوی و سبک هویت دانشجویان افغان شهرستان کاشان حاکی از ارتباط معنادار و مثبت بین سبک هویت اطلاعاتی و سبک هویت هنجاری آنان و رابطه منفی و معنادار بین هوش معنوی دانشجویان و سبک هویت سردرگم آنان بوده است. همچنین رابطه‌ای بین هوش معنوی این دانشجویان و سبک هویت تعهد نیز مشاهده نشده است. به عبارت دیگر؛ هرچه هوش معنوی این دانشجویان بیشتر بوده، سردرگمی آنان کمتر بوده است.

همچنین نتایج حاصل از آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین هوش معنوی دانشجویان افغان شهرستان کاشان و قانون‌گزیزی ابزاری و قانون‌گزیزی اعتراضی آنان و در مجموع ابعاد، رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ اما هیچ رابطه‌ای بین هوش معنوی و قانون‌گزیزی اخلاقی آنان مشاهده نمی‌شود. این نتایج مؤید نتایج واحدی و همکاران (1388) و سقایی پورسیفی و رنجبران (1396) است که به تأکید بر اعتقاد به مذهب، به عنوان عامل کنترل‌کننده فرد و تمایل به رعایت قانون اشاره می‌کنند.

نتایج حاصل از همبستگی بین سبک هویت و قانون‌گزیزی نیز نشان داده است که ارتباط سبک هویتی اطلاعاتی و سبک هویت سردرگمی دانشجویان با قانون‌گزیزی آنان، مثبت و معنادار و در مقابل، ارتباط بین سبک هویت هنجاری و تعهد آنان با قانون‌گزیزی، منفی و معنادار بوده است. به عبارت دیگر؛ افراد با سبک هویت اطلاعاتی با توجه به اینکه کمتر در جستجوی تأیید و تصدیق دیگران‌اند، به قضاوت‌های خود اعتماد دارند و ممکن است در رابطه با سودگرایی در قانون‌گزیزی‌های ابزاری و فردگرایی در

397 ♦ واکاوی رفتار قانون‌گريزانه مهاجران در ايران با تاكيد بر...

قانون‌گريزي‌هاي اخلاقي و اعتراضی نیز بیشتر عمل کنند. همچنین، افراد با سبک هويت سردرگم از آنجا که در تصميم‌گيري بیشتر به مقتضيات و پیامدهای محیطی تکیه می‌کنند و تصميم‌گيري‌هاي هیجانی بیشتری دارند، تمایل کمتری با التزام به قانون از خود نشان می‌دهند. در مقابل، دانشجویان با سبک هويت هنجاری و تعهد، چارچوبی از ارزشها و باورها را که مقبول گروههای مرجع و دیگران باشد، برای خود در نظر گرفته، تلاش می‌کنند هماهنگ با جامعه و در چارچوب آن ارزشها عمل کنند. در نتیجه این ویژگی، آنان به قانون‌گريزي تمایل بیشتری نشان می‌دهند. همچنین بیشترین ضریب همبستگی (0,818) بین قانون‌گريزي ابزاری و سبک هويتي سردرگم رخ داده است. دانشجویان با سبک هويت تعهد، نسبت به تمامی انواع قانون‌گريزي تمایل کمتری نشان داده‌اند. به عبارت دیگر؛ افراد دارای ارزشهای پایدار و اهداف بلندمدت، تمایل کمتری برای سرپیچی از قانون، چه فردی و چه اجتماعی، دارند.

پيشنهادها

پيشنهادهای این پژوهش در دو دسته پيشنهادهای اجرایی و پژوهشی عبارتند از:

رابطه منفی و معنادار هوش معنوی با قانون‌گريزي حاکی از آن است که توجه به معنويات می‌تواند نقش بسزایی در قانون‌گريزي افراد جامعه داشته باشد و به تجربه ثابت شده است که توجه به مقصد و مبدء زندگی و هدف آن، در ایجاد قانون‌گريزي مؤثر بوده است. از سوی دیگر، امروزه استفاده از منابع معنوی به عنوان کنترل‌کننده درونی می‌تواند در قبول و پذیرش قانون به عنوان امر الزام‌آور شرعی و عرفی به شمار آید. سرمایه‌گذاری در تقویت هوش معنوی دانشجویان می‌تواند به آنان در تمایل به قانون‌گريزي و جلوگیری از سرپیچی‌هاي قانونی کمک کند.

با توجه به میزان قابل توجه قانون‌گريزي اخلاقي در دانشجویان افغان شهرستان کاشان از یک سو و تأثیر ادراک افراد بر ارزشهای پذیرفته شده یک جامعه و پیروی از آنها از سوی دیگر، جامعه‌پذیر کردن سریع این دانشجویان مهاجر و آموزش، آشنایی و توجیه ارزشهای فرهنگی ایران برای آنان، می‌تواند از میزان قانون‌گريزي اخلاقي‌شان بکاهد. علاوه بر این، از آنجا که قانون‌گريزي در ابتدای سالهای اقامت آنان به مرور افزایش می‌یابد، جامعه‌پذیر کردن سریع آنان، به خصوص برای کسانی که تمایل به ماندن در ایران و اقامت طولانی‌مدت برای کار و زندگی در ایران دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است.

با توجه به تأثیر سبکهای هويتي بر میزان قانون‌گريزي دانشجویان افغان، تلاش برای تغییر سبک هويت آنان از اطلاعاتی و سردرگمی به هنجاری و تعهدی، می‌تواند باعث جلوگیری از قانون‌گريزي و افزایش تمایل‌شان به التزام به قانون شود.

با توجه به میزان قانون‌گزیزی اخلاقی این دانشجویان و تأثیری که درک ارزشهای فرهنگی بر این نوع قانون‌گزیزی دارد، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر و به صورت ویژه، اثر ادراک و نوع ارزشهای فرهنگی بر قانون‌گزیزی مهاجران و کسانی از پیشینه فرهنگی متفاوت در ایران برخوردارند، بررسی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهشی وسیع‌تر علاوه بر متغیرهای روان‌شناختی و فردی، متغیرهای اجتماعی و ساختاری، مانند فرهنگ، اثر خانواده و گروههای مرجع، طبقات اجتماعی و... نیز بر قانون‌گزیزی افراد به ویژه مهاجران بررسی شوند.



منابع

- اسدزاده، مهدی؛ سيد حسن هاشمی و علیرضا عزیزی (1393). «عوامل مؤثر بر قانون‌گريزی در جامعه و تأثیر آن بر امنیت اجتماعی». *دانش انتظامی خراسان جنوبي*، سال سوم، ش 2 (9): 33-9.
- افروز، غلامعلی؛ حیدرعلی هومن و نسرین محمودی (1388). «بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم‌یابی پرسشنامه هوش معنوی در دانشجویان». *تحقیقات روان‌شناختی*، دوره یکم، ش 3: 23-1.
- افشاری، علی و رسول رضایی (1397). «پیش‌بینی احساس انزوای اجتماعی بر اساس طرحواره‌های هیجانی، سبک‌های هویت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان». *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، سال نوزدهم، ش 1 (71): 69-61.
- بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری دشت بزرگ، نجمه؛ لطیفی زادگان، وحیده (1389) «ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی»، اولین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تبریز، 22 و 23 اردیبهشت‌ماه.
- تقدس، حمیده (1393). اهمیت قانون و قانون‌مداری در قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز.
- جوکار، بهرام؛ مسعود حسین‌چاری و آناهیتا مهرپور (1393). «پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت در دانشجویان دانشگاه شیراز». *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال چهارم، ش 1 (10): 22-3.
- جوکار، بهرام و مرتضی لطیفیان (1385). «رابطه ابعاد هویت و جهت‌گیری هدف در گروهی از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستانهای شیراز و یاسوج». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره بیست و پنجم، ش 4 (پیاپی 49- ویژه‌نامه علوم تربیتی): 46-27.
- زارع، حسین؛ احمد پدرام و الهه شیروانین (1391). «پیش‌بینی هوش معنوی دانشجویان از روی صفات شخصیتی آنها». *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره دهم، ش 1 (22): 68-59.
- سقایی پورسیفی، مهدیه و رضا رنجبران (1396). «رابطه سبک‌های هویت، مسئولیت‌پذیری و جهت‌گیری مذهبی با احساس تنهایی دانشجویان کارشناسی ارشد». *روان‌شناسی و روان‌پزشکی شناخت*، سال چهارم، ش 3: 20-10.
- صدیق سروسنانی، رحمت‌اله (1388). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: سمت.
- طباطبایی نفیسه، طباطبایی سید شهاب‌الدین، کاکایی یزدان، محمدی آریا علیرضا. (1391) «رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان 15 تا 18 ساله شهر تهران». *رفاه اجتماعی*. 12 (44): 23-42.
- عبدی زرین، سهراب؛ پریناز سجادیان، شیما شهید، احمد بیان معمار و حسین عظیمی (1388). «رابطه بین سبک هویت و بی‌بستگی روانی در دانش‌آموزان دختر مقطع راهنمایی شهر قم». *طلوع بهداشت*، دوره نهم، ش 1 (28): 77-69.
- عزیزی، سلام و لطیف پرتوی (1394). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گريزی شهروندان شهر میوان در سال 94-1393». *مطالعات جامعه‌شناسی*، سال هشتم، ش 29: 133-113.

- علی‌بابایی، یحیی و فیروزجانیان، علی‌اصغر (1388). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی». فصل‌نامه دانش انتظامی، شماره 4، پیاپی 45، صفحات 14-19.
- غباری بناب، باقر؛ محمد سلیمی، لیلا سلیمانی و ثنا نوری مقدم (1386). «هوش معنوی». اندیشه نوین دینی، دوره سوم، ش 10: 147-125.
- فیروزجاییان، علی‌اصغر و سید ضیا هاشمی (1395). «قانون‌گریزی به مثابه آنومی اجتماعی». مطالعات امنیت اجتماعی، ش 47: 106-81.
- کاظمی، حسن (1394). تبیین جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و عوامل تأثیرگذار بر آن در بین شهروندان شهر خلخال. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- کلمن، جیمز (1377). بنیادهای نظریه اجتماعی. تهران: نی.
- موسوی، سید حسین؛ محسن طالب‌زاده نوبریان و غلامرضا شمس مورکانی (1390). «بررسی رابطه هوش معنوی و رفتار شهروندی سازمانی معلمان دبیرستانهای شهرستان زنجان». روان‌شناسی تربیتی، ش 22: 94-65.
- میرزایی، ابراهیم؛ یعقوب احمدی، احمد بخارایی و هوشنگ نایی (1396). «قانون‌گریزی و پیوندهای اجتماعی (مطالعه موردی: شهر اهواز)». جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال هشتم، ش 3: 130-103.
- میرفردی، اصغر و حکیم احمدی قارنائی (1395). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و رابطه آن با میزان قانون‌گریزی در یاسوج». انتظام اجتماعی، دوره هشتم، ش 4: 84-59.
- میرفردی، اصغر و فروغ فرجی (1395). «بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج». جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و هفتم، ش 2 (پیاپی 62): 110-93.
- واحدی، شهرام؛ رحیم بدری گرگری و جواد مصرآبادی (1388). «بررسی عوامل مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان استان آذربایجان غربی)». انتظام اجتماعی، دوره یکم، ش 2: 56-33.
- Abdi Zarin, S.; P. Sajjadian, Sh. Shahyad, A. Bayan Memar & H. Azimi (2009). "Relationship between Identity and Well-Being in School Girl Students in Qom City". *The Journal of Toloo-e Behdasht*, 9 (28): 69-77. (In Persian)
- Afrooz, Gh.; H.A. Hooman & N. Mahmoodi (2009). "Practicality, Validity, Validity and Normality of Spiritual Intelligence Questionnaire in Students". *Psychological Research*, 1 (3): 1-23. (In Persian)
- Afshari, A. & R. Rezaei (2018). "Prediction of Social Isolation Based on Emotional Schemas, Identity Styles and Early Maladaptive Schemas". *Knowledge and Research in Applied Psychology*, 19 (71): 61-69. (In Persian)
- Alibabae yahya and firozjanian , aliasghar. (2009). **Sociological Analysis of Factors Related to Law Absconding**. Police knowledge quarterly.N:4;45;14-19.
- Asadzade, M.; S.H. Hashemi & A. Azizi (2014). "Factors Affecting the Illegality in Society and its Impact on the Social Security". *Journal of Police Knowledge of South Khorasan*, 9: 9-33.

- Azizi, S. & L. Partoie (2015). "Sociological Analysis of Factors Related to Law Absconding of Marivan Citizens' in 2014-15". *Sociological Studies*, 8 (29): 113-133. (In Persian)
- badie, A.; & others (2010). "To plan and validity of Spiritual Intelligence questionnaire". *The first national conference of psychology at payam nor university in Tabriz*, 22-23 ordibehesht .
- Berzonsky, M.D. (1999). "Identity Style Conceptualization and Measurement". *Journal of Adolescent Research*, 4 (3): 268-282.
- Berzonsky, M.D. (2004). "Identity Style, Parental Authority, and Identity Commitment". *Journal of Youth and Adolescence*, 33: 213-220.
- Coleman, James (1998). **Foundations of Social Theory**. Tehran: Ney Publisher. (In Persian)
- Crocetti, E.; M. Rubini, M.D. Berzonsky & W. Meeus (2009). "Brief report: The Identity Style Inventory Validation in Italian Adolescents and College Students". *Journal of Adolescence*, 32: 425-433.
- Emmons, R.A. (2000). "Is Spirituality an Intelligence; Motivation and the Psychology of Ultimate Concern". *The International Journal for the Psychology of Religion*, Vol. 10, No. 1: 3-26.
- Enriquez, L.E.; M. Morales Hernandez & A. Ro (2018). "Deconstructing Immigrant Illegality: A Mixed-Methods Investigation of Stress and Health among Undocumented College Students". *Race and Social Problems*, 10 (2): 193-208.
- Firouzjaeian, A.A. & S.Z. Hashemi (2016). "Disregarding Law; a Social Anomie". *Social Security Studies*, 47: 81-106. (In Persian)
- Ghobari Bonab, B.; M. Salimi, L. Soleyani & S. Nouri Moghaddam (2007). "Spiritual Intelligence". *Modern Religious Thought*, 3 (10): 125-147. (In Persian)
- Jokar, B. & M. Latifian (2006). "The Relationship between Identity Dimensions and Target Orientation in a Group of Preschool Students in Shiraz and Yasuj Cities". *Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, 25 (49): 27-46. (In Persian)
- Jokar, B.; M. Hossein Chari & A. Mehrpour (2014). "Predicting Social Responsibility Based on Identity Styles in Shiraz University Students". *Culture in Islamic University*, 4 (10): 3-22. (In Persian)
- Kazemi, H. (2015). **Sociological Explanation of Legalism and Its Influencing Factors among Khalkhal Citizens**. M.Sc. Islamic Azad University, Khalkhal School of Social Sciences. (In Persian)
- Lindahl, H. (2008) "Border Crossings by Immigrants: Legality, Illegality, and Alegality". *Res Publica*, 14 (2): 117-135.
- Menjívar, C. & D. Kanstroom (Eds.) (2014). **Constructing Immigrant Illegality: Critiques, Experiences, and Responses**. New York: Cambridge University Press.

- Mirfardi, A. & F. Faraji (2016). "Investigating the Tendency of Illegality and its Relationship with Social Participation and Social Control in Yasuj". *Applied Sociology*, 27 (62): 110-93. (In Persian)
- Mirfardiy, A. & H. Ahmadi Qarnayy (2016). "The Efficacy of Social Trust in Interpersonal Relations and its Relationship with the Illegality in Yasouj". *Social Discipline*, 8 (4): 59-84. (In Persian)
- Mirzaei, I.; Y. Ahmadi, A. Bukharai & H. Nayebi (2017). "Law of Escape and Social Ties (Case Study: Ahwaz City)". *Cultural Sociology*, 8 (3): 103-130. (In Persian)
- Mousavi, S.H.; M. Talibzadeh Nobarian & Gh. Shams Morkani (2011). "The Relationship between Spiritual Intelligence and Organizational Citizenship Behavior in High School Teachers in Zanjan". *Educational Psychology Quarterly*, 22: 65-94. (In Persian)
- Saghaei Poursifi, M. & R. Ranjbaran (2017). "The Relationship of Identity Styles, Responsibility and Religious Orientation with the Feeling of Loneliness in Postgraduate Students". *Journal of Psychology and Psychiatry in Cognition*, 4 (3): 10-20. (In Persian)
- Sedigh Sarvestani, R. (2009). *Social Pathology (Sociology of Social Deviations)*. Tehran: SAMT Publisher. (In Persian)
- Tabatabaee, N and others. (2013). **the relation between Identity styles and taking responsibility with educational progress among Tehran 15 to 18 years old teenager: social welfare.12 (44): 23-42.S**
- Taghdess, H. (2014). **The Importance of Law and Jurisprudence in the Qur'an and Hadith**. M.Sc. of Shiraz University, Faculty of Theology and Islamic Studies. (In Persian)
- Vahedi, Sh.; R. Badri Gargari & J. Misrabadi (2009). "Investigating the Factors Affecting Citizen legality (Case Study: Citizens of West Azarbaijan Province)". *Social Discipline*, 1 (2): 33-56. (In Persian)
- Woodward, K. (2000). **Questioning Identity: Class**. London and New York in Association with the Open University.
- Zare, H.; A. Pedram & E. Shirvanian (2012). "Predicting Students' Intellectual Intelligence Based on Their Personality Traits". *Behavioral Sciences Research*, 10 (22): 59-68. (In Persian)
- Zohar, D. & I. Marshall (2001). **SQ: Connecting with our Spiritual Intelligences**. New York: Bloomsborry.

